



دکتر سید موسی صمیمی

Dr. Said Musa Samimy

جون سال ۲۰۱۵

- دگرگونی استراتژی ریاض از نفوذ خزنده به مداخله نظامی**
- "توفان قاطع"، تبارز حزم اندیشی ملک سلمان در خاور میانه -
۱. **پیش گفتار: جنگنده های عربستان سعودی بر فراز صنعا**
 ۲. **عربستان سعودی در جنبه گروه تصلبی سلمان، حریر پوش تازه دم**
 - ۲,۱. **ملک سلمان، با "صبر ایوبی" در انتظار حکم روایی "ارثی شاهی"**
 - ۲,۲. **توجیه دینی پرسش زای حکم روایی ملک سلمان**
 - ۲,۳. **پادشاهی ارثی تمامیت گرای آل سعود**
 - ۲,۴. **انحصار طلبی ملک سلمان با "شاهزاده های خاصه"**
 ۳. **ملک سلمان با تلاش "برد به هر قیمت" در خاور میانه**
 - ۳,۱. **استراتژی دو بعدی ریاض با ضابطه های مذهبی و تاریخی**
 - ۳,۲. **جنگ نیابتی ملک سلمان به مثابه میراث خوار "امپراتوری عرب"**
 ۴. **یمن در بند مبارزات چند لایه ی سیاسی و فرقه ی**
 - ۴,۱. **یمن، سرزمین افسانه ی در درازی تاریخ**
 - ۴,۲. **فرقه زیدیه به مثابه نیروی کلیدی در کارزار سیاسی یمن**
 - ۴,۳. **راه پر پیچ و خم مبارزات سیاسی معاصر در یمن**
 ۵. **استراتژی تعرضی ریاض در گرداب "استراتژی بزرگ"**
 ۶. **پس گفتار: ملک سلمان، قافله سالار کاروان "امپراتوری عربی ریاض محور"**
 ۷. **روی کردها**

بخش هفتم

۵,۳,۲. ایران: رویارویی با ریاض، استوار بر استراتژی گسترش نفوذ

استراتژی ایران را در منطقه می توان با "واقعیت گرایی تعرضی" مشخص کرد. البته در این راه تهران با دشواری های سیاسی، اقتصادی و مذهبی مواجه دیده می شود.

نخست از همه بایست بر این واقعیت صحنه گذاشت که ایران و عربستان سعودی، نظر به تعاملات مشخص تاریخی و تعلقات مذهبی، دو کانون قدرت آرمان گرا با پشتوانه بزرگ مالی و نظامی در خاورمیانه بوده که در جهت گسترش نفوذ و هژمونی، همدیگر را به شکل روز افزون به چالش های سیاسی، مذهبی و حتی نظامی می کشانند.

بی ثباتی سیاسی، اوضاع ناهنجار اجتماعی و فقر حاکم در بین توده ها و در اخیر مداخلات نیروهای فرا منطقه ای در تبانی با متحدان شان، هریک از این ها به مثابه یک عامل مهم زمینه ساز مداخله های چند بعدی هر دو کشور رقیب خوانده می شوند.

بدون شک هم ریاض و هم تهران مدعی رهبری بخش مهمی از "جهان اسلام" بوده و در جهت گسترش نفوذ و پیاده کردن استراتژی منطقه ای خویش سرمایه گذاری های سنگین می کنند. از سوی دیگر این هم روشن است که در هر دو کشور با نظام های استوار بر "حاکمیت الهی"، یعنی هم "ولایت فقیه" در قم و هم "آیین وهابیت" در ریاض همدیگر را دست کم به "انحراف از دین" متهم کرده و در ادبیات دینی حتی از برچسب "کفر" به همدیگر هم اجتناب نه می ورزند.

پس از بررسی مفصل انتقادی سیاست های تعرضی ریاض و انفره، اکنون نکات مهم سایت تعرض تهران مورد ارزیابی انتقادی گرفته می شوند.

(۱) انگیزه های سیاسی نه مذهبی به مثابه اولویت سیاست خارجی ایران

با وجود این همه خصومت های مذهبی نمی توان میدان طلبی های تهران و ریاض را تنها و تنها به سطح مذهبی "شیعه و وهابیت" خلاصه نمود. وهابی های ریاض، تهران را به نفع شیعیان در کشور های عربی، از جمله در یمن متهم می کنند. در این راستا ملک سلمان با حملات هوایی در یمن بر مبارزه کشورش علیه ایران در چهار پایتخت عربی - بغداد، دمشق، بیروت و صنعا - صحنه می گذارد. ولی طوری که حسین باستانی، یکی از کارشناسان مسایل ایران به آن اشاره می کند، به مشکل می توان دفاع از "شیعیان" را اولویت تعیین کننده سیاست منطقه ای تهران" خواند. (۶۲)

در مورد یمن، طوری که قبلا بررسی گردید، حوثی ها پیروان زیدیه بوده و آنها تا امام چهارم با شیعیان دوازده امامی ها هم راه اند. ولی حوثی ها، محمد ابن باقر، امام پنجم دوازده امامی ها را قبول نداشته و در عوض "زید" را نظر به قاطعیت مواضع دینی اش به امامت پذیرفته اند. علاوه برآن بینش مذهبی زیدیه در بسیاری جهات دیگر - از نگاه قرائت دینی - با بینش

تسنن، به ویژه با معتزله و مالکی شباهت های زیادی دارد. به این ترتیب پشتیبانی تهران از حوثی ها کمتر انگیزه مذهبی بلکه بیشتر جنبه سیاسی دارد. این موضوع در مورد پشتیبانی تهران از بشار اسد در سوریه - با ساختار دیگر - نیز صدق می کند. نخست این که در سوریه یک حکومت "تک حزبی" حزب بعث حاکم بوده و این حکومت بدون هر گونه پسوند و پیشوند یک حکومت سیکولار می باشد. یکی از پایه های مهم اجتماعی این حکومت را علوی های مقیم سوریه می سازند، که خاندان اسد هم با آن وابستگی تباری دارد.

علوی ها بزرگترین اقلیت مذهبی را در سوریه تشکیل می دهند. پیروان این مذهب را "علویان" و یا "نصیریون" هم می خوانند. علوی از نگاه تاریخی از مذهب اسماعیلیه منشعب شده است، که خود با شیعه دوازده امامی بریده است. اضافه بر آن علویه التقاطی است از عناصر شیعه، مسیحیت و معتقدات پیش از اسلام. به عقیده علویان "خدا ذات یگانه ی است مرکب از سه اصل جدا ناپذیر بنام های: "معنی"، "اسم" و "باب". این "تثلیث"، سه گانه گی به نوبت در وجود انبیا مجسم و متجلی می گردند". (۶۳)

دقیق مانند حوثی ها در یمن، پشتیبانی تهران از حکومت بشار اسد در دمشق کمتر انگیزه مذهبی دارد- چنانکه علوی غیر از شیعه دوازده امامی است - بلکه کلاً در قطب بندی سیاسی استوار بر استراتژی تهران در منطقه می باشد. این استراتژی نه تنها متوجه ریاض است بلکه هم جنان با بعد مبارزه علیه اسرائیل نیز آراسته می باشد. از همین جا است که تهران حتی از جنبش حماس و جهاد اسلامی، دو جنبش سنی نیز پشتیبانی می نماید. در مجموع دیده می شود که همه این جنبش ها بیشتر خاصیت سیاسی ضد امریکایی و ضد اسرائیلی داشته، در نتیجه از هم سویی مذهبی شیعیان قم نشین برخوردارند. چنانکه در همین رابطه خامنه ای، رهبر مذهبی ایران می گوید، که "عربستان سعودی مانند اسرائیل بد است". (۶۴) ولی از آن جایی که خلاصه کردن تفاوت های استراتژی و سیاسی را در وجود اختلافات مذهبی "شیعه و سنی"، به نفع ریاض تمام می شود، ملک سلمان از این قطب بندی مذهبی استفاده ابزاری می کند.

۲) نقش ایران در منازعات فرقه ای یمن

سوسن ماونی، کارشناس سیاسی در "مرکز سیاست خاور میانه" در مخالفت با یک نظر حاکم در مورد نقش ایران در یمن به این باور است که "درگیری ایران در یمن حاشیه ای و خیلی کم است". به نظر او ایران زمینه ساز قیام حوثی ها نبوده و از همین جهت نقش تهران در مقایسه با گستره منازعه در یمن ناچیز است. (۶۵)

در واقع علایق و فعالیت های ایران بیشتر در کشور های عراق و سوریه متمرکز دیده می شوند. به ویژه در مبارزه علیه "گروه دولت اسلامی" - نظر به شرایط خاص - تهران حتی با واشنگتن دست بدست هم داده و گام به گام، مشترک با "هراس افکنی" نوع گروه دولت

اسلامی مبارزه می کنند. حتی تصور شده می تواند که ایران در رابطه با منازعه یمن یک نوع حالت "حل نشده و نا آرامی" را ترجیح می دهد، تا ریاض در کشمکش های سیاسی آن کشور "درس عبرت تاریخی" بگیرد. این سیاست به هیچ ترتیب نه می تواند به "خواست هژمونی طلبی ایران" در یمن تعبیر شود.

هم زمان با حملات هوایی عربستان بر یمن، ریاض به تبلیغات گسترده دست زده و ادعا کرده که ایران افزار جنگی با حوثی ها می فرستد. در عین وقت پنتاگون، وزارت دفاع امریکا نیز کشتی هواپیما بر (USS Theodor Roosevelt) را به سوی آب های یمن سوق داد. گرچه که فرستادن این کشتی نخست به غرض پشتیبانی عام از حملات هوایی عربستان بر یمن بود، ولی این موضوع به زودی روشن گردید که هدف واشنگتن جلو گیری از فرستادن تجهیزات نظامی ایران برای حوثی می باشد. هم چنان جرال فایر شتاین، - Gerald Feierstein -، معین وزارت خارجه امریکا ادعا کرد که "ایران به حوثی ها کمک های مالی، تسلیحاتی، آموزشی و اطلاعاتی" می نماید. (۶۶) فایر شتاین می افزاید که حوثی ها به هیچ گونه مستقیم از طرف ایران اداره نشده ولی ایران از نفوذ مهم در یمن برخوردار می باشد.

با در نظر دشت نظرات گوناگون در مورد "حوثی ها" ببر این اصل بایست صحه گذاشت که توانمندی نظامی حوثی ها، که تعداد شبه نظامیان آن به یکصد هزار نفر می رسد، ناشی از جنگ های دراز مدت با حکومت صنعا می باشد.

۲) نقش ناچیز ایران در موضوع تدارکات افزار جنگی به حوثی ها

نظر به گزارش شورای امنیت سازمان ملل، یمن به بزرگترین بازار جنگ افزار ها در منطقه تبدیل شده است. در گزارش سازمان ملل حدس می شود که در یمن در حدود ۴۰ تا ۶۰ میلیون سلاح خفیف وجود دارد. بازار اسلحه غیر قانونی نه تنها صلح و امنیت را درخود یمن تهدید می کند، بلکه یمن به بازار فروش اسلحه برای کشور های شرق افریقا و شاخ افریقا مبدل گردیده است. (۶۷) بزرگترین بازار اسلحه در جوار شهر صعه در شمال غرب یمن می باشد. در این جا هر کسی می تواند مانند یک "دکان بقالی" تفنگچه، نارنجک، تفنگ های نوع AK-4، ماشین دار، موشک های ضد هوایی از نوع Sam 7، آن هم به قیمت نسبتا ارزان به دست آورد. به طور نمونه قیمت یک تفنگ AK-47 در حدود یک صد دالر امریکایی می باشد.

حوثی ها در قدم اول از این بازار آزاد سلاح به هر اندازه که خواسته باشند، بدون درد سیاسی از درک آلوده بودن دست ایران، می توانند بخرند. افزون بر آن حوثی ها از سال های ۲۰۰۴ به این سو از افسران فساد پیشه یمن مقادیر زیاد سلاح بدست می آورده اند. هم چنان نباید فراموش کرد که حوثی ها از اوایل سال ۲۰۱۴ به این سو در رابطه با علی عبدالله صالح، رییس جمهور گذشته یمن و با استفاده از روابط وفا داری نظامیان به این

قوماندان اعلاى سابق، به گدا م هاى بزرگ تسليحات دست يافته اند. و لو كه حكومت عبدالله صالح در سال ۲۰۱۲ سقوط كرد و احمد على صالح، پسر عبدالله صالح پست قوماندان گارد ملى را از دست داد، ولى روابط پدر و پسر با تعداد زيادى از افسران ارشد در مواضع كليدى محكم باقى ماندند. در زمان پيشروى حوثى ها به سوى صنعا، همين روابط و وفا دارى هاى نظامى منجر گرديد كه حوثى ها حوزه هاى نظامى را يكي پس از ديگرى تصرف كرده و گويا يكجا با نظاميان داخل صنعا گرديدند. تجهيزات نظامى صنعا خود ناشى از كمك هاى نظامى واشنگتن بوده كه در حدود ۵۰۰ ميليون دلار از سال ۲۰۰۶ به اين سو به حكومت يمن داده شده است. (۶۸) در حملات هوايى عربستان بر مواضع حوثى از جمله ۱۶ هواپيماى جنگى قواى هوايى يمن كه حوثى ها در تصرف خود داشتند، تخریب گرديد.

به اين ترتيب ديده مى شود كه حوثى ها به پيمانه كافى اسلحه و آنهم اسلحه امريكايى دارند، آنها نيازى بيشتر ندارند تا ايران به آنها اسلحه بفرستد. گرچه كه حكومت منصور هادى در اوایل سال هاى ۲۰۱۳ ادعا كرد كه ايران به حوثى ها موشك هاى زمين به هوا نوع "جهان يك" داده است. ولى هيچ وقت اسناد معتبر و نشانه هاى مورد پذيرش در اين مورد ارائه نشد.

محمد جواد ظريف، وزير خارجه ايران پيشنهادهى در مورد اوضاع يمن به سازمان ملل متحد ارائه كرده كه شامل اين چهار نكته مى باشد:

- توقف فورى حملات نظامى،
- ارسال كمك هاى بشر دوستانه،
- از سرگيرى گفتگوى ملى با مشاركت همه احزاب سياسى و
- تشكيل حكومت فراگير وحدت ملى (۶۹)

اين پيشنهادهى بى درنگ هم از طرف عربستان سعودى و هم از طرف حكومت جلاى وطنى منصور هادى قاطعانه رد شد.

پس از چندين دهه تنش، توافق نامه هسته اى ايران با قدرت هاى جهانى (۱+۵) در ويا نا (بتاريخ ۱۴ جون) افق تازه اى براى روابط ايران و جهان غرب باز كرد. براساس اين توافق نامه، ايران در از اى رفع تحریم هاى غرب و سازمان ملل در رابطه با برنامه هاى هسته اى ايران محدوديت هاى دراز مدتى را در مورد برنامه اتمى خود پذيرفته است. (۶۹a)

در حالى كه واكنش جهانيان در مورد توافق نامه هسته اى بدون كم و كاست مثبت بود، ولى رهبران كشور هاى عربى در همسويى با بنجامين نتان ياهو، نخست وزير اسراييل اظهار نگرانى كرده و مانند گذشته ها، اين توافق نامه را به مثابه "خطر براى امنيت"، نه تنها در خاور

میانه، بلکه برای تمام جهان خواندند. البته رهبران این کشور ها - از بدو امر - خواهان پیاده کردن راهکار خشونت بار به شمول تعامل نظامی علیه تاسیسات هسته ای ایران بودند. در این مورد بارک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا میگوید که او برای سران کشورهای خلیج فارس "توضیح کرده است که به تقویت نظامی خود مبادرت کنند تا بتوانند از سرزمین های شان دفاع کنند." ولی اوباما بزودی می افزاید که "بودجه دفاعی کشور های خلیج فارس ده برابر بودجه دفاعی ایران می باشد."

اوباما در این جا با پیروی از راهکار "رهبری هوشمند" از یکطرف به کشور های عربی خلیج فارس زد می کند که آنها کفایت های بزرگی دفاعی دارند، به یقین که در این مورد رئیس جمهور امریکا به بهترین وجه به این موضع آگاهی دارد. از سوی دیگر بازهم اوباما - به نفع صنایع تولید کننده افزار جنگی غرب- خواهان تقویت بیشتر توانایی های نظامی این کشور ها میگردد. (۶۹b)

هم چشمی سه میراث خوار امپراتوری های آسیایی



بدون شک عملی کردن توافق نامه که با رفع تحریم ها علیه ایران همراه می باشد، می تواند ممد انکشاف اقتصادی-سیاسی ایران گردد. البته شکل گیری این توافق نامه در مجموع گره

میخورد با نیازمندی های سرمایه داری غرب، که در آن تلاش می‌گردد تا ایران به مثابه یکی از کشور های ثروتمند و مهم در خاور میانه در روند "جهانی شدن" ادغام گردد. این که آیا دانشمندان اقتصادی بومی ایران، که در تدوین و پیاده کردن سیاست های اقتصادی آن کشور نقش دارند، با برنامه های ویژه و در خور انکشاف سالم کشور شان برآمد میکنند یا خیر، یک امر حیاتی برای آینده ایران می باشد. البته از تصور بدور هم نیست که "عادی شدن" روابط ایران با غرب، به ویژه با ایالات متحده امریکا منجر با آن گردد که تهران در همسویی نسبی با واشنگتن در تعاملات سیاسی-نظامی در خاور میانه به خویشتن داری متوسل گردد. بهر ترتیب با پیاده کردن توافق نامه ایران می تواند پس از آن با "دست بازتر" براحتی "گام های بزرگتر" در بازی سیاسی و تعامل استراتژی منطقه ای نقش بازی کند. ریاض در ست از همین امر هراس داشته و در هم سویی با اسراییل تلاش می کند تا این توافق نامه در کنگره ایالات متحده امریکا، که حزب محافظه کاران در آن اکثریت دارد، به ناکامی مواجه گردد. ولی به نظر نویسنده، نظر به چانه زدن های بی بنیاد و سبک سری های "متحدان مقطعی" نیازمندی کلی "سرمایه جهانی" در راستای پذیرش توافق نامه، حتی از طرف حلقه های محافظه کار، از اولویت بیشتر برخوردار می باشد.